

این شرح بی نهایت...

خاموشی، زیور دانش است و نشانه بردباری.

شوق جمال

نیست او را سر مویی سر سودایی ما کار شد سخت، مگر بخت کند باری ما تا به آهوی ختن، نسبت چشمت دادند شهر گردید به هر شهر، خطا کاری ما گره بیدادیم پهای دهنست نقد روان سود بردیم که شد هیچ خریداری ما همه شب تا به سحر، از غم و روی شادیم چه امید که بیایی تو به غمخواری ما چند آزار دل ما دهی، ای راحت جان راحت جان مگرت هست، دل آزاری ما؟ تو که چون سرو، ز آسیب خزان آزادی چه غمی باشدت از حال گرفتاری ما؟ چشم فشان تو را دوش، بدیم در خواب ای بسا فتنه که بر خاستت ز بیداری ما شاطر عباس صبوحی

تقویم تاریخ

در گذشت نئون تولستوی

۱۰۴ سال پیش، برابر با بیستم نوامبر ۱۹۱۰ میلادی، لئون نیکلایوویچ تولستوی، نویسنده شهیر و اندیشمند روسیه در ۸۲ سالگی در گذشت. تولستوی داستان ها و نمایشنامه های متعدد نوشت از جمله: «انا کارنینا»، «جنگ و صلح»، «قراق ها» و... او در نامه های هشدار دهنده به سزار نیکلای دوم که در سال ۱۹۰۱ نوشته و ارسال شده هشدار داده بود که اگر آزادی ندهد، دموکراسی برقرار نکرده، از شکاف پنهان میان فقیر و غنی نکاهد و نظام فئودالی را تعدیل نکند جنگ داخلی اجتناب نپذیرد خواهد بود و روسیه نابود خواهد شد. همین نامه بعدا باعث تعقیب قضایی او شد.

الحاق ایران به «ستو»

۵۹ سال پیش، برابر با بیستم نوامبر ۱۳۳۴ خورشیدی، کنفرانس کشورهای عضو پیمان بغداد با شرکت نخست وزیران ایران، ترکیه، عراق، پاکستان، انگلستان و با حضور وزیر امور خارجه آمریکا در بغداد به ریاست نوری سعید، نخست وزیر عراق برگزار شد که نتیجه این کنفرانس، انعقاد پیمان «ستو» به منظور جلوگیری از نشر کمونیسم به کشورهای مجاور شوروی بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران از عضویت این پیمان خارج و ستو عملاً منحل شد.

مرگ فرانسیسکو فرانکو

۳۹ سال پیش، برابر با بیستم نوامبر ۱۹۷۵ میلادی، ژنرال فرانسیسکو فرانکو رئیس جمهوری اسپانیا، در ۸۲ سالگی و پس از ۳۹ سال حکمرانی در گذشت. جنگ داخلی اسپانیا که طی آن مسکو و احزاب کمونیست سایر ملل از چپها و موسولینی و هیتلر از راستهای افراطی حمایت می کردند، پس از ۳ سال در سال ۱۹۳۹ با پیروزی راستها پایان یافت و فرانکو زمام امور را به دست گرفت. فرانکو با وجود این که دوست آلمان نازی بود اما در حمایت از هیتلر وارد جنگ جهانی دوم نشد. فرانکو وصیت کرده بود پس از مرگ ریاست کشور به شاهزاده خوان کارلوس داده شود و به این ترتیب سلطنت اسپانیا بازگشت.

شهر ونگ

کتنل کجاست؟!



سوشیان شجاعی فرد طزن نویس

امروز به مناسبت آغاز هفته کتاب، به کنفرانوشی شهر خود بروید و با حضور خود رونقی به آن جاد کنید. دیگر سالی یک بار که می شود به کنفرانوشی سر زدا یادتان باشد وقتی بعد از دو سال و سه ماه از آخرین باری که «کتاب» خریدید یاد کنفرانوشی شدید بگویند: سلام، ما باز اومدیم! اما نگویید. همون همیشگی! کتابها را یک ورق بزیند، بهانه خواندن نوشته پشت جلد قیمت آن را دادید بزیند و اگر وسعتان رسید یکی دو تایی کتاب هم بخردید! (کتاب، این زلم زیموهای است که در کنفرانوشی ها می فروشند! معادل سیگارورانی درد که های روزنامه فروشی!) حالا به مناسبت هفته کتاب، حاج علی آقای جنتی وزیر محترم ارشاد فرموده که امیدوارم روزی برسد کسانی که خواستگاری می روند به این جای که از اموا آنها پرسیده شده، از کتابخوانی آنها سوال شود. بنده عرض می کنم بنده در وهله اول امیدوارم اصلا پام به مجلس خواستگاری باز نشود! حالا آن جا چه می پرسند و من چه می گویم مهم نیست! مهم دو تا موز و یک برقال مجلسی و یک نظر حلال و چند تا نظر مباح و دو تا نظر غیر مجاز و بعدش هم یک اردنگی است که حاصل می شود! این از این بعدش هم مادر بنده که عاشق کتاب و قلم و معلومات پدر مرحوم شد، الان شیشمان است! دختران جوان را توصیه می کنم به نشنیدن توصیه های وزیر ارشاد! شما فقط به حرف های صادر بنده گوش بدهید! بیایید گوش بدهید که بدجو هم نذبال عروس قشنگش می گرد! ضرر نمی کنید!

حالا شما فرض بفرمایید یک خانواده ای افغان شود و سخنان وزیر ارشاد را عملی کند! بعد یک کسی مثل همین پدرام ابراهیمی خودمان که هفته ای سه بار گل و شیرینی به دست دارد می رود خواستگاری و طنزهایش را این جا می نویسد! تصور فرمایید در چنین مجلسی:

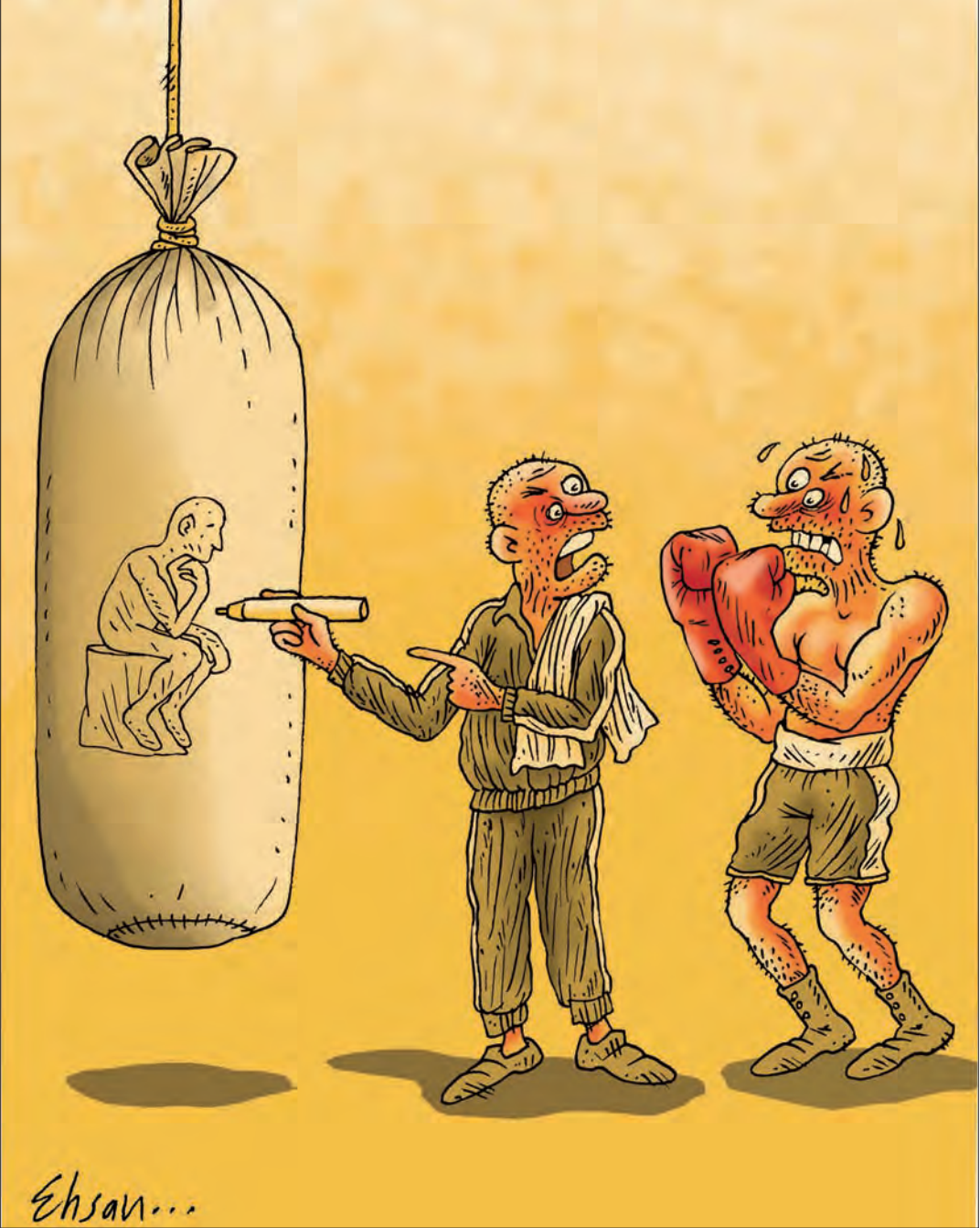
پدر عروس: خب پسر جان، ما از آن خانواده هایی نیستیم که به مال و اموا امام اهمیت بدهیم، پدر خود من صدوقه سال عمر کرد! خب شما بگویمینم آخرین کتابی که خواندی چی بوده؟!

پسر: راستش کتاب کمک درسی قلمچی بود چون پدر من شیمی رو افتاده بودم، گفتم برم دنبالش حداقل دیلم رو بگیرم، اگر یک موقع گرین کارت برنده شدم رامم بدهند، دیگه اون آخرین کتابی بود که خواندم!

کار تون شهر

احسان گنجی | کار نویسندگی | ehsanganj58@gmail.com

تفکر و ضد تفکر!



نگاه

خرما بزورن

احسان شیرازی |

می بینم چنان میوه های دلبری هست که آدم اگر احتیاج هم نداشته باشه، دوست داره این میوه رو توی خونه داشته باشه. ولی امان از پشت سینی! یعنی اون قسمتی که میوه رو ازش بر می دازن و می ریزن توی پلاستیک و وزن می کنن. هر چی میوه خرابه ریخته اونجا بنده می بینم که آقا آیت حسایی حرفه ای شده در میوه خریدن! بهتر بود از همون ابتدا به جای رفتن به ارتش مسئول خرید مستوران می شدی! زن همسایه طبقه پایین: کی دیگه این روزا حلال و حرام سرش می شه؟! حسن آقا: هم میوه فروش است. اما باور کنید خودم تا حالا اشتغال این کارش فکر نکرده بودم. زن همسایه طبقه پایین: شما چقدر خوش باوری دیگه حسن آقا! آقا آیت: خاتم همسایه! به کم گمان مثبت بی زحمت! من: احسنت بر این آقا آیت! حسن آقا: من خب حسن آقا حالا وقتی توضیح دادی قبول کرد؟ حسن آقا: گفت روش فکری می کنم. آقا آیت: حالا همین قدر هم خوبه. امیدوارم فکرتش نتیجه بدهد.

رادر مراسم عروسی یکی از دوستان مشترک دیدیم. من الکی هی در مورد خرما حرف می زدم تا فضا را خرمایی کنم و مسأله را مطرح تا این که خودش پرسید: «فالنی، خرماها خوب بود؟» بنده هم فرصت را غنیمت دانسته و گفتم: «در کل خوب بود. دستت طلا ولی من احساس کردم خرماهای رویی بهتر از خرماهای زیری بود. قبول داری؟» شانه هایش را بالا انداخت و انگار که امری کاملاً بدیهی را توضیح می دهد، گفت: «خب معلومه که خرماهای رویی بهترند.» گفتم «چرا؟» گفت: «ما خرماهای خوب را می گزاریم کنار و آنها را می چسبیم روی خرماهای دیگر. بسا آرتزین کارتن خرما» گفتم: «یعنی خرماها را به این صورت تزئین می کنید؟» گفت: «آره»

بنده توی دل: جل الخالق! چه خوب آدمها برای خودشون همه چیز رو توجیه می کنن! کلاما هم احساس می کنن منطقیه!

کلده می دارن، اسمش رو هم می دارن تزئین! حسن آقا: البته من دوستم رو می شناسم، واقعا اهل کلاه گذاشتن نیس.

آقا آیت (باز نشسته رتش و مسئول خرید خرمایه): بعضی از این میوه فروشی ها رو که دیدین! به کیه میوه می ریزن توی سینی. جلوی سینی که مشتری

حسن آقا مامور برق محله ما برام خاطره ای گفت که نوشتنی است، البته خودم می دانم معمولاً کسی با مامور برق محل که ماهی یکبار می آید و کنترل را می خواند، نمی تواند ارتباط دوستانه برقرار کند و به همین دلیل باید توضیح دهم که من حسن آقا را از قبل می شناختم و سابقاً همسایه بودیم. بگذریم، حتی بعد از اتمام کار در گیم خود می کشد. شاد بودن ابتدایی کاراکترها و در پی آن عصیبت و بعد بی تفاوتی، همه و همه بیاترگی جلوه ای از احساسات ناب انسانی است که بنابر اتفاقات پیرامونی دچار تغییر و تحول می شوند و درست از همین رو می توان گفت بازی های بی تکلف بازیگران نقش زن و شوهر نمایش در آمده را به مخاطب منتقل کند. امیر احمد قزوینی کارگردان نمایش، چندی پیش در گفت و گویی به این نکته اشاره کرده بود که در یکی از کلاس های بهرام بیضایی و بعد از آشنا شدن با ساطوره «پیگمالیون» به این فکر افتاده که آن افسانه را امروز کند، ولی علیرغم این تاکید، داستان او با اصل افسانه تفاوتی اساسی دارد. در افسانه مجسمه ای خلق شده و مجسمه سماز، عاشقش می شود اما در این داستان پرتره معشوق واقعی است که روی بوم نقش می بندد. «آب آینه و اثر پیگمالیون» تا هفتم آذر هر روز ساعت ۱۸ و ۴۵ دقیقه در خانه هنرمندان، سالن استادان نظامی به روی صحنه می رود و فرصت مناسبی برای علاقه مندان هنر نمایش است تا تجربه ای جدید را در این عرصه در نوردد.

پیشنهاد

نمایشی شبیه زندگی

آرژو صدر | روزنامه نگار

بوزیا، دوست آیدین، با او به زبان ترکی حرف می زند کارایی لازم را ندارد و طولانی شدن گفت و گوی ترکی آن دو که بیش از حجم ترجمه است، حوصله مخاطب را سر می برد. به جز این نکته می توان «آب آینه و اثر پیگمالیون» را در کل اثری روان توصیف کرد که در مدت زمانی کمتر از یک ساعت، از عهده تعریف کردن داستانش به خوبی بر می آید، ضرباتش را می زند و مهم از همه این که ذهن مخاطب را حتی بعد از اتمام کار در گیم خود می کشد. شاد بودن ابتدایی کاراکترها و در پی آن عصیبت و بعد بی تفاوتی، همه و همه بیاترگی جلوه ای از احساسات ناب انسانی است که بنابر اتفاقات پیرامونی دچار تغییر و تحول می شوند و درست از همین رو می توان گفت بازی های بی تکلف بازیگران نقش زن و شوهر نمایش در آمده را به مخاطب منتقل کند. امیر احمد قزوینی کارگردان نمایش، چندی پیش در گفت و گویی به این نکته اشاره کرده بود که در یکی از کلاس های بهرام بیضایی و بعد از آشنا شدن با ساطوره «پیگمالیون» به این فکر افتاده که آن افسانه را امروز کند، ولی علیرغم این تاکید، داستان او با اصل افسانه تفاوتی اساسی دارد. در افسانه مجسمه ای خلق شده و مجسمه سماز، عاشقش می شود اما در این داستان پرتره معشوق واقعی است که روی بوم نقش می بندد. «آب آینه و اثر پیگمالیون» تا هفتم آذر هر روز ساعت ۱۸ و ۴۵ دقیقه در خانه هنرمندان، سالن استادان نظامی به روی صحنه می رود و فرصت مناسبی برای علاقه مندان هنر نمایش است تا تجربه ای جدید را در این عرصه در نوردد.

۱۳	ارک	۱۱	ایلام	۲۹	اهواز	۱۸	اصفهان	۷	ارومیه	۱	اردبیل	۱۳	اصفهان	۳۰	بندرعباس
۲۸	پوشهر	۲۸	زاهدان	۱۸	خرم آباد	۱۷	تهران	۶	تبریز	۱۹	بیرجند	۲	اصفهان	۱۰	سندج
۸	شهرکرد	۲۰	رشت	۲۰	گرگان	۱۶	کرمان	۱۵	قزوین	۱۵	قزوین	۱۵	کرمانشاه	۱۴	کرج
۲	شیراز	۱۸	مشهد	۱۲	همدان	۱۱	سمنان	۱۱	سمنان	۱۱	سمنان	۱۱	کرمانشاه	۳۰	ابوموسی

فو کوس ...



مردم مونیخ در حال خواندن شماره ویژه روزنامه «رودویچه تسایتونگ» با موضوع آغاز محاکمه سران آلمان نازی در دادگاه نورنبرگ (۲۰ نوامبر ۱۹۴۵).